

عالمات شیعه

رحیم ابوالحسینی*

چکیده

هدف این مقاله آشنایی اجمالی مخاطبان گرامی با شرح حال و چگونگی حیات علمی «عالمات شیعه» است. از این رو، بخش پژوهش مؤسسه شیعه‌شناسی تعدادی از بزرگان شیعه را معرفی می‌نماید. در این قسمت، تعدادی از عالمات شیعه به اختصار معرفی می‌شوند.

* ابراهیم بن صالح نخعی (حدود ۱۸۸ - حدود ۲۷۳ ق)

ابراهیم، محدث شیعی و از اصحاب امام رضا علیه السلام، تاریخ تولد و وفاتش در دست نیست. از جمله شاگردان او، ابوعلی محمد بن همام اسکافی (م ۳۳۶ ق) است که در ۲۵۸ هـ متولد شده. بنابراین، وی دست کم تا دهه‌های نخست نیمه دوم سده سوم - یعنی حدود ۲۷۳ هـ - حیات داشته و بدین وسیله، برای شاگردش فرصت اخذ حدیث از او وجود داشته است. درباره زمان ولادت او، تنها می‌توان گفت که وی چون از اصحاب امام رضا علیه السلام (شهادت: ۲۰۳ ق) بوده، تولدش اواخر سده دوم (حدود ۱۸۸ هـ) واقع شده است؛ یعنی هنگام وفات آن امام، وی پانزده ساله بوده است. از زندگی و دوران تحصیل او اطلاعی نداریم.

از لقب «نخعی» برمی‌آید که نیاکان او قبیله‌ای عرب بودند و بر اساس معنایی که از «نخعی» (= جداشده از قوم) استفاده می‌شود، می‌توان حدس زد بخشی از قبیله مذکور از قوم خویش جدا شدند و در کوفه اقامت گزیدند. بدین سان، وی نیز از نسل همین قبیله است و موطن او می‌بایست در کوفه بوده باشد.

از استادان او تنها محمد بن عمران را می‌شناسیم که شاگرد مفضل بن عمر بود. از آثار تألیفی او، چیزی در منابع گزارش نشده است. گفتنی است نام او با ابراهیم بن صالح انماطی مشترک است که او نیز از اصحاب امام رضا علیه السلام بود.^(۱)

✽ ابراهیم بن عبده نیشابوری (؟ - حدود ۲۶۱ ق)

ابراهیم، محدث مورد اعتماد شیعی و از اصحاب امام هادی علیه السلام و وکیل امام حسن عسکری علیه السلام در نیشابور، زمان تولد و وفاتش در منابع ذکر نشده، ولی چون عصر امام حسن عسکری علیه السلام (شهادت: ۲۶۰ ق) را درک کرده و نیز بر پایه گزارش‌هایی که از خادم او نقل شده که وی در عصر غیبت صفرا (۲۶۰ - ۳۲۹ ق) در کوه صفا خدمت امام زمان (عج) مشرف شده است، می‌توان مطمئن شد که وی دست کم تا سال ۲۱۶ هزنده بوده است. وی اصالتاً ایرانی و اهل نیشابور بود و ظاهراً زادگاه و آرامگاه او نیز همین شهر بوده است. از دوران کودکی و چگونگی تحصیلات او خبری در منابع گزارش نشده است.

وی احتمالاً در نیشابور پرورش یافت و پس از دوران نوجوانی، مسافرت‌هایی به عراق داشت و بخشی از حیات علمی خود را در بغداد و سامراء به انجام رساند و سپس به نیشابور بازگشت. درباره شرح حال او، همین اندازه روشن است که وی نزد امام حسن عسکری علیه السلام از جایگاه بلندی برخوردار بود و در نیشابور، وکیل آن حضرت به شمار می‌آمد. امام علیه السلام نه تنها در توقیعات و نامه‌های صادر شده، وی را ستایش می‌کرد، بلکه در نامه‌هایی که آن حضرت برای معاصران و همکارانش می‌نوشت، نسبت به موقعیت و

۱. دلائل الامامه، ص ۴۸۴، ح ۴۸۰ / الانساب، ج ۵، ص ۴۷۳، ذیل «نخعی».

جایگاه او سفارش‌هایی به دیگران داشت. در توقیعی که امام علیه السلام برای عبداللّه بن حمدویه بیهقی (م. حدود ۲۷۵ ق) نوشته، آمده است: «من ابراهیم را برای اخذ حقوق واجب از اهالی آن دیار منصوب نموده‌ام و او را مورد اعتماد و امین خودم برای اهالی آنجا قرار داده‌ام». کشی در رجال خود، می‌نویسد: امام حسن عسکری علیه السلام وی را نماینده خود در نیشابور قرار داد و دیگران را به اطاعت از او فراخواند. وی با اینکه در زمان خود، از شهرت بسزایی برخوردار بود، اما از استادان و شاگردان او اطلاعی در دست نیست. همچنین از او اثر تألیفی معرفی نشده است.^(۱)

✽ ابراهیم بن محمد بن فارس نیشابوری (حدود ۲۰۱ - حدود ۲۸۰)

ابراهیم، محدث شیعی، کنیه‌اش در منابع ذکر نشده است. وی از اصحاب امام هادی و امام حسن عسکری علیه السلام بود. درباره تاریخ ولادت و وفات او گزارش دقیقی دیده نشده است. در برخی از منابع آمده که وی امام عصر علیه السلام (تولد: ۲۵۵ ق) را در زمان کودکی آن حضرت دیده است. بنابراین، وی تا چند سال پس از ولادت امام عصر (عج) حیات داشته است. اما ظاهراً سال‌های زیادی از زندگی او در عصر غیبت صغرا سپری شده‌اند و با توجه به هم‌عصران، شاگردان و استادانش، می‌بایست وفات او در اواخر نیمه دوم سده سوم (حدود ۲۸۰ ه) اتفاق افتاده باشد؛ زیرا بعضی از شاگردان بی‌واسطه او تا سال ۳۲۸ ه حیات داشته‌اند؛ چنان‌که ابن د/اود نیز در رجال خود، وی را از شخصیت‌های پس از عصر ائمه اطهار علیهم السلام به شمار آورده است.

چنان‌که از نسبت «نیشابوری» برمی‌آید، اهل نیشابور بوده و ظاهراً در همان‌جا چشم به جهان گشوده است. پس از دوران کودکی و نوجوانی، به عراق آمد و در کوفه با عالمان و دانشمندان زمان خود آشنا گشت. قراین نشان می‌دهند که وی تحصیلات دوران جوانی را در زادگاهش سپری کرد و مسافرتش به عراق مربوط به زمان میان‌سالی او می‌شود؛

۱. رجال کشی، ج ۲، ص ۸۴۷ و ۸۴۸، ش ۱۰۸۸ و ۱۰۸۹ / محمد بن حسن طوسی، الغیبه، ص ۲۶۸، ش ۲۳۱ /

رجال الطوسی، ص ۳۸۴، ش ۵۶۴۶ / التحریر الطاووسی، ص ۱۹.

زیرا اولاً، وی از اصحاب امام جواد علیه السلام (شهادت: ۲۲۰ ق) به شمار نیامده است و ثانیاً، هنگامی که وی به کوفه آمد استادان متقدم را درک نکرد. از همین رو، احادیث او با یک واسطه از محمد بن ابی عمیر (م ۲۱۷ ق) نقل می‌شوند. وی مدت زیادی در عراق اقامت داشت و حتی احتمال اینکه پس از کوفه و بغداد، در سامراء اقامت دایم گزیده باشد، بعید به نظر نمی‌رسد.

پسرش، ابو عبدالله محمد بن ابراهیم، از عالمان حدیث بود که در بغداد به کار و رزاقی و صحافی کتاب اشتغال داشت و به دمشق و مصر نیز مسافرت نمود. از جمله معاصران او، ایوب بن نوح بن دراج (م. حدود ۲۵۵ ق) است که یک‌بار در راه مکه با او هم‌سفر شد و درباره‌ی جاننشین امام هادی علیه السلام با او به گفت‌وگو پرداخت.

وی از دوست‌داران اهل بیت علیهم السلام بود و بارها در سامراء خدمت امام حسن عسکری علیه السلام رسید و در نهایت، به همین دلیل، مورد خشم فرماندار وقت، محمد بن عوف (از دشمنان سرسخت شیعه) قرار گرفت و او دستور قتلش را صادر کرد، ولی او پس از وداع با خانواده‌اش، به خانه‌ی امام حسن عسکری علیه السلام در سامراء پناه برد و در همان‌جا به زیارت امام عصر (عج) نایل گردید و با دعای آن امام علیه السلام نجات پیدا کرد.

وی در عراق، علاوه بر معارفی که در محضر امام هادی و عسکری علیهم السلام کسب نمود، نزد استادانی همچون احمد بن حسن، حسین بن ابی الخطاب و یعقوب بن یزید حدیث شنید و به حد کمال رسید. سپس آموخته‌هایش را به شاگردانش همچون محمد بن عبدالله بن ابی غانم قزوینی، محمد بن مسعود عیاشی (م. ۳۲۸ ق) و محمد بن حسن براهی انتقال داد. درباره‌ی درستی احادیث او گفته می‌شود که وی، خود فرد راست‌گویی بود، اما اهمیت نمی‌داد که از چه کسی نقل حدیث می‌کند. از آثار تألیفی او خبری در منابع گزارش نشده است.^(۱)

۱. الامامه والنبره: ص ۱۳۱، ح ۱۳۷ / رجال کشی، ج ۲، ص ۸۱۲، ش ۱۰۱۴ / کمال الدین، ص ۳۸۱، باب ۳۷، ح ۴ / رجال الطوسی، ص ۳۸۳، ش ۵۶۴۰ و ص ۳۹۷، ش ۵۸۲۶ / مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۸۱، ح ۴۰۹۶.

* ابراهیم بن محمد همدانی (؟ - حدود ۲۶۵ ق)

ابوالحسن، فقیه و محدث مورد اعتماد شیعی، از اصحاب امامان هادی و حسن عسکری علیهما السلام بود. وی همچنین هم‌زمان با وکالت احمد بن اسحاق قمی و احمد بن حمزه بن یسع، از سوی امام عصر (عج) عهده‌دار مقام وکالت بود و به طور مستقیم با آن حضرت ارتباط داشت. پس از او، مقام وکالت در همدان به فرزندش و سپس به نوه او سپرده شد. همچنین وی در برخی از روایات، از امام رضا علیه السلام نیز نقل حدیث کرده است. به همین دلیل، شیخ طوسی نام او را در شمار اصحاب امام رضا علیه السلام نیز ذکر نموده است. تاریخ ولادت و وفات او به درستی روشن نیست. بر پایه گزارش ابوعمرو کشی، وی به اتفاق فرزندش، جعفر، در ۲۴۸ هـ با امام حسن عسکری علیه السلام مکاتبه داشت. اما نمایندگی او از سوی امام عصر (عج) نشان می‌دهد که وی در عصر غیبت می‌زیست و مدت‌ها پس از این تاریخ، حیات داشت و چون استاد احمد بن محمد بن عیسی (م. حدود ۲۸۰ ق) بود، گمان می‌رود در اوایل عصر غیبت (۲۶۰ - ۳۲۹ ق)، زندگی را به سر آورده باشد. وی چنان‌که از لقب «همدانی» برمی‌آید، اصالتاً ایرانی بود و در همدان اقامت داشت و مکاتبات زیادی با امامان عصر خود در مسائل گوناگون فقهی انجام داد. پسرش جعفر بن ابراهیم نیز از فقها و محدثان عصر خود بود و به واسطه پدرش با «ابوالحسن» (یعنی امام جواد یا امام رضا علیهما السلام) مکاتباتی داشت. وی از فرزند دیگرش، نوه‌ای داشت به نام محمد بن علی بن ابراهیم که دانشمندی و الامقام، صاحب تألیفات و نایب امام عصر در همدان بود و چهل مرتبه به زیارت خانه خدا مشرف شد. او خود نیز نزد امامان معصوم دارای مقامی ارجمند بود و بنا به گزارش ابن حمزه طوسی (م ۵۶۰ ق) وی در زمان امام جواد علیه السلام، نایب یحیی بن عمران بود و آن حضرت دو سال پیش از مرگ یحیی، طی نامه‌ای او را جانشین خود قرار داد.

از معاصران او، علی بن مهزیار اهوازی (م. حدود ۲۵۵ ق) و احمد بن هلال کرخی (م ۲۷۶ ق) هستند که در برخی موارد، مکاتبات همدیگر با امامان عصر خود را نقل نموده‌اند. از او روایات و توقیعات فراوانی به جای مانده که در تمام موارد، به طور

مستقیم با امامان معصوم مکاتبه کرده است. بنابراین، وی بیشتر معلومات و مسائل فقهی خود را از امامان اخذ کرده است، هرچند در یک مورد دیده شده که وی از محمد بن عبیده نقل حدیث کرده است. وی شاگردان زیادی داشت که ابراهیم بن هاشم (پدر علی بن ابراهیم، صاحب تفسیر)، عمر بن علی بن عمر، حمدان بن سلیمان نیشابوری، احمد بن علی تفسیسی، سهل بن زیاد آدمی (م. بعد ۲۵۵ ق) یعقوب بن یزید و احمد بن محمد بن عیسی (م. حدود ۲۸۰ ق) از جمله آنان هستند.

درباره ارزش روایات او، ابوعمرو کثی (م. حدود ۳۶۳ ق) در گزارش خود، وی را «عظیم القدر» و فردی «مطمئن» در نقل حدیث معرفی کرده است. شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) نیز در کتاب الغیبه، او را مورد وثوق دانسته و مدح بلیغی از او به عمل آورده است. از این رو، احادیث و توقیعات او کاملاً مورد قبول صاحب نظران می‌باشند. وی ظاهراً دارای اثر تألیفی نبوده و به همین دلیل، نام او به طور مستقل در فهرست نجاشی نیامده، بلکه در ذیل شرح حال نوه‌اش، محمد بن علی بن ابراهیم، ذکر شده است.^(۱)

* ابراهیم بن هاشم قمی (حدود ۱۹۰ - حدود ۲۷۵ ق)

ابواسحاق، فقیه و محدث و الامام شیعی، از اصحاب امام جواد علیه السلام و از شاگردان یونس بن عبدالرحمن (م ۲۰۸ ق)، از تاریخ ولادت و وفاتش آگاهی درستی نداریم، اما این اندازه روشن است که وی پس از امام هادی علیه السلام زنده بود و تاریخ وفات آن امام را، که در ۲۵۴ هـ رخ داد، گزارش کرده است. در بعضی از منابع، گزارشی از معاصرش ابراهیم بن هلال ثقفی (م ۲۸۳ ق) نیز نقل کرده است. بنابراین، محتمل است که وی عصر غیبت را

۱. رجال کشی، ج ۲، ص ۸۰۹، گزارش ۱۰۰۹ و ص ۸۳۱، گزارش ۱۰۵۳ و ص ۸۶۶، گزارش ۱۱۳۱ و ص ۸۶۹، گزارش ۱۱۳۵ / علل الشرائع، ج ۱، ص ۵۹، حدیث ۲ / عبون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۸۳، ح ۷ و ص ۲۶۰، ح ۷ و ج ۲، ص ۲۷۶، ح ۷۳ / شیخ صدوق، الامالی، ص ۳۷۹، ح ۴۸۱ / کمال الدین (یک جلدی)، ص ۷۵ / رجال النجاشی، ص ۳۴۴، ش ۹۲۸ / الاستبصار، ج ۱، ص ۳۸۴، ح ۱۴۵۵ و ج ۲، ص ۴۴، ح ۱۴۰ و ج ۳، ص ۲۸، ح ۹۰ و ص ۲۹۱، ح ۱۰۲۷ / محمد بن حسن طوسی، الغیبه، ص ۴۱۷، گزارش ۳۹۵ / الثاقب فی المناقب، ص ۵۱۵، گزارش ۴۴۲ / خلاصة الاقوال، ص ۵۲، ش ۲۳.

درک کرده و احتمالاً تا اواسط نیمه دوم سده سوم (حدود ۲۷۵ ق) حیات داشته است. درباره زمان تولد او، تنها می‌دانیم که وی در زمان امام رضا علیه السلام (م ۲۰۳ ق) می‌زیست و چون از سن کافی برخوردار نبوده، حدیثی از آن امام نقل نکرده است. بنابراین، تولد او می‌بایست پیش از ۲۰۳ هـ و احتمالاً در اواخر سده دوم (حدود ۱۹۰ هـ) اتفاق افتاده باشد. برخی از محققان معاصر بدون ذکر هیچ مدرکی، زمان تولد او را در عصر امام کاظم علیه السلام (م ۱۸۳ ق) نوشته‌اند.

وی اصالتاً اهل کوفه بود و در همان‌جا چشم به جهان گشود. دوران کودکی و همچنین بخش زیادی از حیات علمی خود را در آنجا سپری کرد و در مجلس درس استادان فراوانی شرکت جست. گفته می‌شود وی در مدت اقامتش در کوفه، یک بار بی‌آنکه بفهمد، با حضرت خضر علیه السلام ملاقات کرد و اعمال مسجد سهله و مسجد زید بن صوهان را از آن حضرت فرا گرفت. همچنین گفته می‌شود که وی در مسجد «صعصعه»، امام عصر (عج) را در ماه رجب در حال دعا و نماز مشاهده کرد.

وی سرانجام، از کوفه به قم آمد و نخستین کسی بود که احادیث کوفه را در قم منتشر نمود. این کار موفقیت‌آمیز او در قم، و جاهت علمی و نفوذ او را در بین فقها و محدثان قم کاملاً آشکار می‌سازد؛ زیرا در میان بزرگان قم شخصی مانند احمد بن محمد بن عیسی اشعری (م. حدود ۲۸۰ ق) به چشم می‌خورد که دقت عمل بسیار داشت و به هیچ وجه، نقل روایات ضعیف را بر نمی‌تافت و حتی راویان بلندپایه و سرشناس به دلیل مخالفت او، نمی‌توانستند آزادانه به نقل حدیث بپردازند. به همین دلیل، احمد بن خالد برقی (م ۲۷۴ یا ۲۸۰ ق)، سهل بن زیاد آدمی (م. بعد ۲۵۵ ق) و عده‌ای دیگر به دست او از شهر قم تبعید شدند. وی در چنین شرایطی، وارد قم شد و با اینکه هزاران حدیث (۶۴۱۴ حدیث) در آنجا نقل کرد، اما هیچ‌گاه بزرگان قم این اجازه را به خود نمی‌دادند تا در برابر احادیث او مخالفت نمایند.

وی همچنین فرزندانانی داشت که در فقه و حدیث، مقام بلندی یافتند. فرزندش، علی بن ابراهیم بن هاشم (م. بعد ۳۰۷ ق)، از چهره‌های برجسته و صاحب تفسیر بود که کلینی

در کافی، بیش از ۷۰۶۰ روایت از او نقل کرده است. فرزند بزرگ‌ترش، اسحاق بن ابراهیم، نیز یکی دیگر از محدثان شیعه بود که از او نیز احادیث فراوانی در جوامع روایی شیعه بر جای مانده‌اند. وی در کوفه استادان زیادی دید که بنا به قولی، تعداد آنها به دوست نفر می‌رسید و در میان آنها، چهره‌های سرشناسی همچون یونس بن عبدالرحمن (م ۲۰۸ ق)، حنان بن سدید کوفی، ابراهیم بن ابی محمود خراسانی، ابراهیم بن محمد وکیل همدانی، عبدالله بن میمون قداح، حماد بن عیسی کوفی (م ۲۰۹ ق)، صفوان بن یحیی (م ۲۱۰ ق) و ابوهاشم داود بن قاسم جعفری (م ۲۶۱ ق) دیده می‌شوند. وی همچنین با شاعر معروف، ابوتمام حبیب بن اوس طائی (م ۲۳۱ ق) ارتباط داشت و نزد او شاگردی کرد. نجاشی این شاعر را «شیعی امامی» و به نقل از جاحظ، رافضی معرفی کرده است.

از شاگردان او، غیر از فرزندش، علی، که بیشترین حدیث را از او نقل کرده، کسانی همچون محمد بن علی بن محبوب، احمد بن محمد بن خالد برقی (م ۲۸۰ یا ۲۷۴ ق)، محمد بن حسن صفار (م ۲۹۰ ق)، عبدالله بن جعفر حمیری، (م. بعد ۲۹۷ ق)، سعد بن عبدالله اشعری (م ۳۰۱ ق)، علی بن بابویه قمی (م ۳۲۹ ق)، ابوعلی محمد بن همام اسکافی (م ۳۳۶ ق) و بسیاری دیگر از او نقل حدیث کرده‌اند. از تألیفات او، دو کتاب نوادر (تازه‌ها) و قضایا امیرالمؤمنین علیه السلام معرفی شده‌اند.^(۱)

* احمد بن ابراهیم مراغی (؟ - حدود ۲۹۰ ق)

ابوحامد، محدث شیعی در عصر امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام، بخش زیادی از عصر غیبت صغرا (۲۶۰-۳۲۹ ق) را درک کرد و حتی برخی از شاگردان او تا ۳۲۹ هـ

۱. المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۵ و صفحات دیگر / الغارات، ج ۱، ص ۲۵، ۳۰ و ۵۷ ج ۲، ص ۸۹۴ / دلائل الامامة، ص ۵۳، حدیث ۵۰۷ / ابن ندیم، الفهرست، ص ۲۷۷ / نعمانی، الغیبه، ص ۱۵۶ و ۱۹۱، احادیث ۱۷ و ۴۵ / شیخ طوسی، الغیبه، ص ۱۴۰، حدیث ۱۰۴ و ص ۳۵۱، حدیث ۳۱۱ / رجال النجاشی، ص ۱۶، ش ۱۸ / مصباح المنهج، ص ۸۱۹، حدیث ۸۸۴ / تهذیب المقال، ج ۱، ص ۲۷۰-۲۸۳، ش ۱۸ / لسان المیزان، ج ۱، ص ۱۱۸، ش ۳۶۷.

حیات داشتند. بنابراین، وفات او می‌بایست دست کم در اواخر سده سوم (حدود ۲۹۰ هـ) اتفاق افتاده باشد. همچنین در بعضی از منابع حدیثی، دیده شده که حسین بن حمدان خصیبی (م ۳۴۶ ق) بدون واسطه از او نقل حدیث کرده است که در این صورت، یا باید ملتزم شد وی دارای عمری طولانی بوده و یا اینکه واسطه‌ای در حدیث یاد شده بوده که حذف گردیده است. درباره تاریخ تولد او، هیچ گزارشی در منابع نیافتیم، ولی از روی حدس و گمان، می‌توان گفت: وی در اوایل سده سوم تولد یافته است.

ظاهراً آن‌طور که از نسبت «مراغی» استفاده می‌شود، وی اصالتاً ایرانی و اهل مراغه از استان آذربایجان شرقی بود؛ زیرا چنان‌که از سوابق علمی او برمی‌آید، بیشتر دوران تحصیلی و حیات علمی او در شهرهای ایران مانند قم و ری و بخشی از آن در کوفه و سامراء سپری شد. بنابراین، نمی‌توان او را اصالتاً عربی و منشعب از عشایر «طفیله»، که هم‌اکنون در اردن سکونت دارند، دانست. ولی احتمالاً در اواخر عمرش در قم اقامت داشته و به تربیت شاگرد مشغول بوده است؛ زیرا بیشتر شاگردان او اهل قم هستند.

وی در فقه و حدیث، به مقام شایسته‌ای رسید و استماعات او در نگاه صاحب‌نظران، مورد قبول می‌باشند. این مطلب در حالی است که در هیچ‌یک از منابع کهن رجالی، به اعتبار احادیث او تصریح نشده است. اما مقام علمی او و همچنین روابط نزدیکش با امامان عصر خود، سبب شدند تا علامه حلی و ابن داود، که در اعتماد به راویان سختگیرند، او را با واژه‌هایی همچون «عظیم الشان» و «ممدوح» بستانند. با این حال، از برخی گزارش‌ها استفاده می‌شود که وی پس از وفات امام حسن عسکری علیه السلام (م ۲۶۰ ق) در مسئله «امامت» اندکی دچار تردید شد و به دنبال حقیقت می‌گشت، تا اینکه در سال ۲۶۲ هـ که اوایل عصر غیبت بود و مردم شیعه در شناخت امام خویش دچار حیرت و سرگردانی شده بودند، خدمت حکیمه دختر امام جواد (م ۲۷۴ ق) رسید و از پشت پرده از آن بانو پرسید که در امر امامت از چه کسی پی‌روی کند؟ حکیمه خاتون در پاسخ، نام «امام عصر (عج)» را بر زبان جاری ساخت. وی از حکیمه پرسید: آیا در این باره حدیثی شنیده‌ای؟ حکیمه خانم پاسخ داد: بلی از امام حسن عسکری علیه السلام شنیدم که فرزند او،

امام دوازدهم شیعیان است. وی پرسید پس فرزند او کجاست؟ حکیمه پاسخ داد: پنهان است. وی گفت: چگونه می‌توان در امر امامت به وصیتی که به یک زن شده است، اعتماد کرد؟ حکیمه فرمود: پس چگونه است که وقتی امام حسین علیه السلام، جانشینی امام سجاد علیه السلام را به زینب علیها السلام وصیت نمود، هیچ تردیدی به خود راه ندادید؟ سپس حکیمه فرمود: شما که اهل اخبار و حدیث هستید، آیا این روایت را از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نشنیده‌اید که فرمود: «نهمین فرزند حسین در حالی که زنده است، میراثش را تقسیم می‌کنند.» در پی این ماجرا، وی از طریق وکلای امام عصر (عج)، مکاتباتی با آن امام داشت و درباره وجود امام علیه السلام برایش اطمینان کامل حاصل شد.

در مکاتبه‌ای که وکیل امام دوازدهم، محمد بن احمد بن جعفر قمی (م. حدود ۲۷۰ ق)، انجام داد و منزلت او را برای امام علیه السلام توصیف نمود، امام علیه السلام در جواب فرمود: «وقفت علی ما وصفت به أبا حامد - اعزّه الله بطاعته - و فهمت ما هو عليه، تمّم الله ذلك له باحسانه و لا أخلاه من تفضّله عليه و كان الله وليّه و عليه أكثر السّلام و أخصّه»، بدانچه درباره ابو حامد گفתי آگاه گشتم. خداوند او را در اطاعتش عزیز بدارد و نیکی‌اش را درباره او کامل کند و رحمت خویش را از وی نگیرد. از سوی من به او سلام ویژه برسان. ظاهراً مکاتبه مذکور مربوط به زمانی می‌شود که وی در قم مقیم بود و با وکیل امام دوازدهم در این شهر، رابطه نزدیکی داشت. وی همچنین در زمان اقامتش در کوفه، بیشترین استماعش را از محمد بن شاذان بن نعیم فراگرفت.

وی شاگردان متعددی تربیت کرد که بیشتر آن‌ها اهل قم هستند. از جمله شاگردان او، علی بن محمد بن قتیبه (م. حدود ۲۹۵ ق)، سعد بن عبدالله اشعری (م ۲۹۹ ق)، محمد بن جعفر اسدی رازی (م ۳۱۲ ق) و محمد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۹ ق) هستند. از او اثری تألیفی معرفی نشده است.^(۱)

۱. الامامة والتبصرة، ص ۱۴۱، حدیث ۱۶۵ / کمال‌الدین، ص ۴۴۸، باب ۴۵، حدیث ۱۱ / دلائل الامامة، ص ۵۲۷، احادیث ۵۰۱ و ۵۰۳ / الهدایة الکبری، ص ۳۶۹ / رجال کشی، ج ۲، ص ۸۱۵، ش ۱۰۱۹ / شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۳۰، حدیث ۱۹۶ / رجال الطوسی، ص ۳۹۷، ش ۵۸۳۰ / خلاصة الاقوال، ص ۶۸، ش ۲۹ / رجال ابن داود، ص ۳۶، ش ۵۵ / معجم قبائل العرب، ج ۳، ص ۱۰۶۸، ذیل کلمه «مراغی».

* احمد بن اسحاق قمی (؟ - حدود ۲۶۱ ق)

ابوعلی، فقیه، محدّث، از اصحاب امام جواد و امام هادی علیهما السلام و وکیل بلندپایه امام حسن عسکری علیه السلام، در قم چشم به جهان گشود و احتمالاً در اواخر سده دوم (حدود ۱۹۰ هـ) تولّد یافت؛ زیرا وی از اصحاب امام رضا علیه السلام (شهادت ۲۰۳ ق) به شمار نیامده و گویا در عصر آن امام علیه السلام نوجوانی بیش نبوده است. درباره وفات او، همین اندازه روشن است که وی مدتی پس از وفات امام حسن عسکری علیه السلام (م ۲۶۰ ق) زنده بوده و دوران کهولت و پیری اش را می‌گذراند. در گزارشی از حسین بن روح قمی، که در رجال کشی آمده است، می‌خوانیم: «وی پس از وفات حضرت عسکری علیه السلام نامه‌ای به امام عصر (عج) نوشت و اجازه خواست تا به حج سفر کند. حضرت نیز ضمن اجازه، پارچه‌ای برای او فرستاد. وی با دیدن پارچه، گفت: امام علیه السلام خیر وفات مرا داده است، و هنگام بازگشت از حج، در "حلوان" (واقع در "سر پل ذهاب" از توابع استان کرمانشاه) درگذشت.» اکنون قبر او در "سر پل ذهاب" پابرجاست و مورد احترام اهالی منطقه می‌باشد.

وی در یک خانواده مذهبی و علمی در قم پرورش یافت و چون پدرش، اسحاق بن عبدالله قمی، اهل دانش و از اصحاب امام کاظم علیه السلام بود، احتمالاً در پرورش علمی او نقش بسزایی داشت. در ایام جوانی، آثار فضل و دانش و صفای باطن در او نمایان گشت و در میان مردم قم، چهره‌ای مورد قبول یافت. وی در قم، علاوه بر پدرش، نزد استادانی همچون زکریا بن آدمی قمی و زکریا بن محمد مؤمن قمی (م. ح ۲۵۵ ق) استماعاتی داشت و تلاش او در فراگیری فقه و حدیث، چندان بود که در عصر امام جواد علیه السلام (م شهادت ۲۲۰ ق)، که هنوز دوران جوانی اش را می‌گذراند، به مقام شایسته‌ای رسید، به گونه‌ای که او را از محدّثان این دوره و از اصحاب آن امام علیه السلام به شمار آورده‌اند. در عصر امام هادی علیه السلام (۲۲۰ - ۲۵۴ ق)، که وی دوران میان‌سالی خود را سپری می‌کرد، مسافرت‌هایی به بغداد، کوفه و سامراء داشت و چندین نوبت خدمت امام هادی علیه السلام شرفیاب شد و پرسش‌هایی را که از آن امام می‌نمود، در کتابی گردآوری کرد. وی طی مسافرت‌هایش به عراق، با استادان متعددی مانند بکر بن محمد بن عبدالرحمن ازدی،

عبدالله بن میمون، سعدان بن مسلم عامری، ابوهاشم جعفری بغدادی (م ۲۶۱ ق) و یاسر خادم (م. حدود ۲۶۰ ق) ملاقات داشت و از آن‌ها حدیث شنید. در این زمان، وی در فقه و حدیث به حد کمال رسید و بنا بر گزارش نجاشی و طوسی، از چهره‌های درخشان و «شیخ اهل قم» به شمار می‌آمد.

وی در عصر امام حسن عسکری علیه السلام (م ۲۶۰ ق) به عنوان وکیل آن امام در قم، مشغول خدمت شد و خانه‌اش در قم محل رجوع علما، فقها و مردم عادی بود. به همین دلیل، نجاشی او را «وافد القمیین» معرفی کرده است. گفته می‌شود: وی به دستور امام حسن عسکری علیه السلام مسجد بزرگی در قم بنا کرد که امروزه پابرجاست و به نام «مسجد امام» شهرت یافته است. برخی از گزارش‌ها حاکی از آن است که وی در مسافرت اخیرش به سامراء، که وجوهات اهالی قم را نزد امام حسن عسکری علیه السلام برده بود، امام عصر (عج) را دید و با آن امام صحبت کرد. در این مسافرت، شاگردش، سعد بن عبدالله اشعری (م ۲۹۹ ق)، نیز با او بود و گزارش مذکور را نقل کرده است. حتی در گزارش طوسی آمده است که وی پس از رحلت امام حسن عسکری علیه السلام، با امام عصر (عج) درباره ادعای جعفر کذاب (برادر امام حسن عسکری علیه السلام) مکاتبه داشت و در پی آن، امام علیه السلام با صدور توقیعی مفصل، نسبت به ادعای عمویش هشداد داد و جعفر را فردی «مفسد» معرفی کرد.

وی در قم شاگردان متعددی تربیت کرد که مشهورترین آن‌ها سعد بن عبدالله اشعری (م ۲۹۹ ق)، عبدالله بن جعفر حمیری (م. بعد ۲۹۷ ق)، محمد بن حسن صفار قمی (م ۲۹۰ ق) و علی بن ابراهیم قمی (م. حدود ۲۷۵ ق) بوده‌اند. از تألیفات او، کتاب‌های *علل الصوم*، *علل الصلاة* و *مسائل الرجال* (پرسش‌هایی از امام هادی علیه السلام درباره حال راویان) معرفی شده‌اند.^(۱)

۱. رجال النجاشی، ص ۷۳، ش ۱۷۴ و ص ۹۱، ش ۲۲۵ / رجال الطوسی، ص ۳۷۳، ش ۵۵۲۶، و ص ۲۸۳، ش ۵۶۴۳ و ص ۳۹۷، ش ۵۸۱۷ / معجم الرجال الحدیث، ج ۲، ص ۵۲، ش ۴۳۵.

فهرست منابع

۱. دلائل الامامه: ابوجعفر محمد بن جرير طبري شيعي، قم، مؤسسة البعثة، ۱۴۱۳ ق؛
۲. الانساب، ابي سعد عبدالكريم بن محمد سمعاني، تقديم و تعليق عبدالله عمر البارودي، بيروت، دارالجنان، ۱۴۰۸ ق؛
۳. اختيار معرفة الرجال (رجال كشي)، ابوجعفر محمد بن حسن طوسي، تحقيق محمدباقر ميرداماد، حبيني و سيدمهدی رجائي، قم، مؤسسه آل البيت عليه السلام، ۱۴۰۴ ق؛
۴. رجال الطوسي، محمد بن حسن طوسي، تحقيق جواد قیومی اصفهانی، قم، مؤسسة النشر الاسلامي، ۱۴۱۵ ق؛
۵. التحرير الطاوسي المستخرج من كتاب حل الاشكال، شيخ حسن بن الشهيد الثاني، تحقيق فاضل جواهری، قم، مكتبة آية الله العظمى مرعشي نجفی، ۱۴۱۱ ق؛
۶. الامامه و التبصره من الخيره، ابي الحسن علي بن الحسين بن بابويه القمي، مدرسه الامام المهدي (عج)؛
۷. كمال الدين و تمام النعمه، محمد بن علي بن بابويه قمي (ابن بابويه)، ترجمه منصور بهلوان، قم، دارالحديث، ۱۳۸۰ ش؛
۸. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ميرزا حسين نوري طبرسي، ج دوم، قم، مؤسسه آل البيت الاحياء التراث، ۱۴۰۹ ق؛
۹. علل الشرائع، ابي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي (شيخ صدوق)، نجف اشرف، المكتبة الحيدريه، ۱۳۸۶ ق؛
۱۰. عيون اخبار الرضا عليه السلام، ابي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي (شيخ صدوق)، تحقيق شيخ حسين اعلمی، بيروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۴ ق؛
۱۱. الامالی (فهرست احاديث اهل بيت)، ابي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي (شيخ صدوق)؛
۱۲. رجال النجاشي، ابوالعباس احمد بن علي نجاشي، تحقيق سيدموسی شيبيري زنجانى، قم، مؤسسه النشر الاسلامي، ۱۴۱۶ ق؛
۱۳. الاستبصار، ابي جعفر محمد بن الحسن الطوسي، دارالكتب الاسلاميه؛
۱۴. الثاقب في المناقب، عمادالدين ابي جعفر محمد بن علي الطوسي (ابن حمزه)؛
۱۵. خلاصة الاقوال في معرفة الرجال، ابومنصور حسن بن يوسف (علامة حلي)، تحقيق جواد قیومی، قم، مؤسسه النشر الاسلامي، ۱۴۱۷ ق؛
۱۶. المحاسن، ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد بروقي، تحقيق سيدجلال الدين حسيني ارموي، تهران، دارالكتب الاسلاميه؛
۱۷. الفارات، ابواسحاق ابراهيم بن محمد بن هلال ثقفی، تحقيق سيدجلال الدين محدث ارموي، قم، چاپخانه بهمن، ۱۳۵۵ ش؛
۱۸. الفهرست، ابوالفرج محمد بن اسحاق (ابن ندیم بغدادی)، تحقيق رضا تجدد، بی جا، محقق، ۱۳۵۰ ش؛

۱۹. الغيبة، نعمانی، ابن ابی زینب محمد بن ابراهیم، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، مکتبه الصدوق، بی‌تا؛
۲۰. الغيبة، ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، تحقیق عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم، مؤسسة المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ ق؛
۲۱. مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، ابی جعفر محمد بن الحسن بن علی الطوسی؛
۲۲. رجال ابن داود، تقی‌الدین ابن داود حلی، نجف اشرف، المطبعة الحیدریه، ۱۳۹۲ ق؛
۲۳. تهذیب المقال فی تنقیح کتاب الرجال، سید محمد علی موحد ابطحی، ج قم، ناشر فرزند مؤلف، ۱۴۱۲ ق؛
۲۴. لسان المیزان، احمد بن علی (ابن حجر عسقلانی)، ج بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق؛
۲۵. الامامه و التبصره من الخیره، ابی الحسن علی بن الحسین بن بابویه القمی؛
۲۶. الهدایه الکبری، ابو عبدالله حسین بن حمدان خصیبی، ج چهارم، بیروت، مؤسسة البلاغ، ۱۴۱۱ ق؛
۲۷. معجم قبائل العرب القدیمة و الحدیثه، عمر رضا کحاله، ج دوم، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۳۸۸ ق؛
۲۸. معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة، سید ابوالقاسم موسوی خوئی، ج پنجم، قم، بی‌تا، ۱۴۱۳ ق / قم، مدینه العلم، ۱۴۰۳ ق.